

گفت‌وگو

مریم زاهدی

بررسی قانون جدید عفاف و حجاب

در گفت‌وگو با زهرا رئیس‌ی، کارشناس و فعال حوزه زنان و خانواده

قانون حجاب بدون روشنگری نتیجه نخواهد داد

قانون جدید عفاف و حجاب قانونی فرهنگی – اقتصادی است که پس از تذکر چند باره

جریمه‌هایی را برای بی‌قانونی در نظر گرفته تا از این رهگذر همانند قوانین راهنمایی و رانندگی

فرهنگ‌سازی و اصلاح رفتار را داشته باشیم

قانون جدید عفاف و حجاب به تعبیر دکتر یانکی پور قانونی فرهنگی – اقتصادی است، یعنی این بار از مسیر جریمه‌های مادی و اقتصادی تلاش شده است فرهنگ‌سازی مناسبی برای سلامت و ارزش‌های خودشان هم بی‌توجه هستند، نظر گرفتن جریمه‌های اقتصادی فرهنگ‌سازی کرد؟ از نگاه زهرا رئیس‌ی، مبلغ و کارشناس حوزه زنان تجربه‌های قبلی در خصوص قوانینی مانند کمربند ایمنی بستن نشان می‌دهد گاهی وقت‌ها می‌توان برای فرهنگ‌سازی از تدابیر اقتصادی و جریمه‌های مالی استفاده کرد. این مسئله در خصوص قوانین راهنمایی و رانندگی و برخی موارد مشابه موفقیت‌آمیز بوده است، به گونه‌ای که تا قبل از قانون شدن و در نظر گرفتن جریمه برای نیستن ماشین، کمربند ایمنی‌شان را نمی‌بستند، اما در نظر گرفتن جریمه برای این ماجرا توانست در این خصوص فرهنگ‌سازی و بستن کمربند ایمنی را به فرهنگ غالب در جامعه تبدیل کند، به گونه‌ای که حالا افراد بلافاصله وقتی در ماشین می‌نشینند، اول کمربند ایمنی‌شان را می‌بندند، البته در خصوص مسائلی مانند حجاب و عفاف که جنس‌شان به شدت فرهنگی است نمی‌توان در مورد نقش فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی چشم‌پوشی کرد. در واقع حتی اگر قرار است برای بی‌حجابی جریمه نقدی در نظر بگیریم، در کنار چنین حرکتی دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی باید وظیفه فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی را انجام دهند، در غیر این‌ا است که در شرایط کنونی عفاف و حجاب هم به سر نوشت قوانین قبلی دچار شود و نتواند اثر بخشی لازم را داشته باشد.

■ ■ ■

همانطور که می‌دانید قانون جدید عفاف و حجاب از سوی شورای نگهبان تأیید شده است و در دستور کار دولت قرار دارد، هر چند این قانون هنوز ابلاغ نشده اما سؤال ما این است که در شرایط کنونی جامعه چقدر به یک قانون جدید در حوزه حجاب و عفاف نیازمندیم؟

در شرایط کنونی جامعه متأسفانه به جایگاه زن به عنوان یک خانم و یک بانو خدشه وارد شده است

و ما با خانم‌هایی مواجه هستیم که پوشش‌های بسیار نامناسبی دارند، فارغ از مسئله اسلام باید توجه داشته باشیم که این دختران ما نه فقط به فکر جایگاه و شأن زن بودن خودشان نیستند بلکه به سلامت و ارزش‌های خودشان هم بی‌توجه هستند، اما چون در جامعه این مسائل به خوبی مطرح و تبیین نشده است، حالا وقتی می‌خواهیم آن را مطرح کنیم، ممکن است مخاطب‌مان فکر کند ما حرف شاقی می‌زنیم، البته برای اینکه شأن بانوان در جامعه اسلامی حفظ شود، لازم است قانونی مدون و متقن برای مسئله حجاب وجود داشته باشد. این مسئله مستلزم آن است که موضوع از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته باشد، اما ما نیاز داریم قوانین این حوزه شأن و جایگاه بانوی جامعه ایرانی را در نظر بگیرد. اگر ما بحث اسلام را هم کنار بگذاریم و بگوییم همه مردم کشور که مسلمان نیستند، باید ببینیم بانوان ما به عنوان یک بانوی ایرانی چه شأن و جایگاهی دارند و قوانین باید این مسائل را در نظر بگیرند، البته قانون‌نویسان مادر مجلس و جایگاه‌های دیگر به این مسئله توجه لازم را دارند.

خانم رئیس‌ی همانطور که می‌دانید در کشورهای دیگر دنیا به خصوص کشورهای اروپایی، جریان‌های حرکت به سمت حجاب شکل گرفته است چرا که آنها به کارکردهای مهم حجاب پی برده و در یافته‌اند حجاب در حداقل کاربرد خود، حس امنیت و آرامش روانی به زن می‌دهد. دختران جوان و بانوان ما که با وضعیت حجاب نامناسب در سطح شهر حاضر می‌شوند، به نوعی آسیب‌دیدگان جنگ‌شناختی هستند. چنانچه ما بتوانیم این مسائل را برای جوانان‌مان تبیین کنیم، آنها بسیار خوب و با آغوش باز از حجاب استقبال خواهند کرد. چرا ما در تبیین فرهنگی این ماجرا که در درجه نخست حجاب می‌تواند به نفع خود خانم‌ها باشد، ناتوان بوده‌ایم؟

در این خصوص شاخه‌های متعدد بحث حجاب را باید برای بانوان جامعه‌مان تبیین کنیم. حجاب از زوایای گوناگون قابل بحث و بررسی است. بحث‌های فرهنگی حجاب، بحث‌های پزشکی، روحی – روانی

دختران ما نه فقط به فکر جایگاه و شأن زن بودن خودشان نیستند بلکه به سلامت و ارزش‌های خودشان هم پی توجه هستند، اما چون مطرح و تبیین نشده است حالا وقتی می‌خواهیم آن را مطرح کنیم، ممکن است مخاطب‌مان فکر کند ما حرف شاقی می‌زنیم، البته برای اینکه شأن بانوان در جامعه اسلامی حفظ شود، لازم است قانونی مدون و متقن برای مسئله حجاب وجود داشته باشد



و سلامت جسمی زوایای گوناگونی است که برای حجاب می‌توان برشمرد. اگر ما وارد مواد احادیث و روایات شویم، می‌بینیم که به همه موارد به نوعی توجه شده است. اینها شاخه‌های متعددی دارد. از سوی دیگر بدحجابی و بی‌حجابی موجب شده است کیان خانواده آسیب ببیند و علاوه بر خود بانوان در شرایط کنونی جامعه آقایان هم از نظر سلامتی در خطر هستند و واقعاً مردان ما در این زمانه و در این جبهه اجتماعی جهاد می‌کنند، اینکه صبح از خانه بیرون می‌آیند و تصاویر متعددی را در خیابان‌ها می‌بینند اما وقتی به خانه برمی‌گردند با کدبانوی خانه خودشان روبه‌رو می‌شوند که با خانم‌هایی که در خیابان می‌بینند گاهی بسیار متفاوت است. این مسئله می‌تواند به کانون خانواده و ساختار خانواده هم آسیب جدی وارد کند، بنابراین بحث حجاب ابعاد متعددی را در بر می‌گیرد و در همه ابعاد رعایت نکردن حجاب و نداشتن آن به زن و خانواده آسیب می‌زند، همچنان که به لحاظ روانی روی آقایان هم تأثیر منفی دارد. در قانون جدید جریمه‌های اقتصادی در نظر گرفته شده و محور این قانون فرهنگی – اقتصادی عنوان می‌شود. از نگاه شما این جریمه‌های اقتصادی چقدر می‌تواند کارایی داشته باشد؟

من فکر می‌کنم اگر مسئله از نظر روحی، روانی و عاطفی بررسی شود بهتر است، اما به هر حال این قانون هم حاصل بررسی و واکاوی حقوق‌دانان و قانون‌نویسان و بزرگان است، بنابراین به نظر می‌رسد همه این ابعاد مورد توجه قرار گرفته است، البته این را هم باید توجه داشت که گاهی جریمه و رفتارهای تنبیهی لازم است. روز اولی که گفتند کمربند ایمنی‌تان را در ماشین ببندید، هیچ‌کس به این مسئله اهمیتی نمی‌داد اما وقتی برای آن جریمه در نظر گرفتند، رفته رفته بستن کمربند ایمنی به فرهنگ تبدیل شد، پس باید ببینیم که یک جابهایی بحث جریمه و مجازات اثر دارد یا عبور از چراغ قرمز یا رت کردن خط عابر پیاده هم همینطور و جریمه‌های نقدی موجب فرهنگ‌سازی هم شد، بنابراین یک جابهایی به هشدار نیاز داریم و این مجازات‌ها لازم است تا افراد متنبه شوند. گاهی وقت‌ها آزادی بیش از حد می‌تواند به اتفاقات ناگواری منجر شود، بنابراین از نگاه من

جریمه‌های نقدی هم ممکن است بتواند تعیین‌کننده باشد و فرهنگ‌سازی کند. در قانون اسلام هم آمده است: در خانه هر کاری می‌خواهید بکنید اما در ملاّ عام اجازه ندارید دست به هر کاری بزنید. این افراد هم می‌توانند در خانه خودشان هر گونه که دل‌شان می‌خواهد رفتار کنند اما نباید در سطح جامعه با روح و روان جامعه بازی کنند. کسی که خلاف قانون عمل می‌کند، وقتی با فرهنگ، ارشاد، اقدامات فرهنگی و ارشادی متوجه خطایش نمی‌شود و باز آن را تکرار می‌کند، لازم است به صورت جرایم اقتصادی و مالی او را وادار به انجام قانون کنند.

پیش از این ما قوانینی را داشته‌ایم؛ مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی که تکالیف ایجابی برای دستگاه‌ها ایجاد می‌کرد، مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی که بحث‌های تنبیهی و مجازاتی را برای بی‌حجابی و بدحجابی در نظر گرفته بود و به نوعی قانون سلبی بود، با وجود این قوانین، آیا نیاز بود قانون جدید تصویب و ابلاغ شود؟

مشکل در اجرا بود. وقتی که این قوانین قبلی اجرا نمی‌شد، مجبور بودند قانون جدیدی را تصویب کنند. ما باید این را بدانیم که هر جایی قوانین مخصوص خودش را دارد. وقتی شما وارد بیمارستان می‌شوید و می‌خواهید به اتاق عمل بروید، اجازه دارید با همان کفشکی که در خیابان راه می‌روید وارد اتاق عمل شوید؟ قطعاً نه! هر جایی برای خودش قانون خاصی دارد. چرا نباید مسا این آموزش را به خانم‌های‌مان بدهیم که آنها بداند هر محیطی اقتضای خاص خودش را دارد و نمی‌توانند با پوششکی که انتخاب شخصی خودشان است، وارد خیابان شوند و برای حضور اجتماعی باید قوانین جامعه را در نظر بگیرند. مادر زمینه فرهنگی کلام گوهریار مقام معظم رهبری را تبیین نکرد ایم. حضرت آقا مسئله تبیین را بسیار درست و بجای موده‌اند و این تبیین در تمام ابعاد اجتماعی زندگی ما صق می‌کند. ما حجاب را تبیین نکرده ایم. اگر تبیین کرده بودیم، دختران و بانوان جوان ما خودشان را به این شکل در خیابان‌ها عرضه نمی‌کردند، بنابراین شاخه‌های فرهنگی ما مقصرد. پس اینکه در جامعه امروز یک قانون جدیدی بیاید و بتواند شرایط جامعه را به سمت بهبود حرکت دهد، امری واجب به نظر می‌رسد.

آیا ممکن است ما در اجرای این قانون جدید هم مثل قوانین قبلی با چالش مواجه شویم؟

همه چیز باید با آگاهی باشد. اگر این روشنگری باشد و فواید حجاب گفته شود، حتماً این قانون هم پذیرفته خواهد شد، اما اگر در مسئله تبیین موفق عمل نکنیم و روشنگری و کار فرهنگی انجام ندهیم، احتمال دارد این بار هم خیلی موفق نباشیم. برای روشنگری می‌توان از ظرفیت رسانه‌ها و حتی بیلیوردهای شهری هم استفاده کرد یا به طور نمونه مدتی بود که صدا و سیما احکام را به کمک انیمیشن برای مردم می‌پخش می‌کرد. این مسئله با استقبال جدی خانم‌ها و خانواده‌ها مواجه شده بود و می‌گفتند چقدر ما خوب متوجه می‌شویم و بسیار خلاقانه بود. چرا ما در بحث حجاب چنین کاری را ادامه نمی‌دهیم؟ می‌توانیم با کمک گرفتن از هنرمندان خلاق در سطح شهر و در رسانه‌ها ابتدا آگاهی بدهیم. وقتی ما از آثار مثبت و فواید چیزی مطلع شویم، قطعاً آن را می‌پذیریم و استفاده می‌کنیم. اگر در بحث حجاب هم بتوانیم فواید آن را برای خانم‌ها تبیین کنیم و آثار آن را به لحاظ روحی، روانی و خانوادگی شرح دهیم، قدر مسلم جامعه هم از ما می‌پذیرد. اینکه چرا آقایان و خانم‌ها سراغ خبات می‌روند، ما این مسائل را در سطح جامعه داریم؟ پس اول آگاهی و روشنگری در تمام دستگاه‌ها بسیار اهمیت دارد، به خصوص دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی مثل آموزش‌وپرورش که واقعاّ آموزش‌وپرورش پایه سایر دستگاه‌های ماست. کسی که می‌خواهد در سایر دستگاه‌ها به کار گرفته شود، باید همه اینها را فهمیده باشد. آموزش‌وپرورش نقش بسیار مهمی در این زمینه دارد.



نگاهی به کتاب «لیلیانا» نوشته کلر ژوبرت

تربیت و آموزش

مفاهیم اخلاقی و حجاب با زبانی کودکانه

کتاب «لیلیانا» نوشته کلر ژوبرت مترجم، تصویرگر و نویسنده فرانسوی است که در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده مسیحی به دنیا آمد. وی در ۹سالگی به اسلام گروید و سال‌هاست در ایران سکونت دارد. ناشر این کتاب دفتر نشر فرهنگ اسلامی است.

■ معرفی کتاب لیلیانا

تربیت و آموزش مفاهیم اخلاقی یکی از دغدغه‌های والدین است. آنها دوست دارند مهارت‌های اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی را به خوبی به کودکان‌شان آموزش دهند. کتاب‌های مناسب با کودک یکی از روش‌های انتقال این مفاهیم به کودکان است. این کتاب‌ها با زبانی ساده همراه با تصاویر، نقش پررنگی در پرورش کودکان دارند، به خصوص اگر بر پایه قرآن و ارزش‌های اسلامی نوشته شده باشند. داستان لیلیانا از جمله این کتاب‌هاست که به زبانی ساده درباره حجاب برای کودکان نوشته شده است. داستان لیلیانا درباره ماجرای دوستی یک دختر خردسال با آدم کوچولویی به اسم لیلیاناست. این داستان فانتزی به زبانی کودکانه از مسئله حجاب می‌گوید.

دوستی دخترک و لیلیانا و صحبت‌های آن دو درباره حجاب با قلمی روان و زیبا این امکان را به مخاطب کم‌سِن و سال خود می‌دهد تا بدون استفاده از کلمات قلمبه‌سلمیه با ارزش حجاب آشنا شود.

نویسنده با تصاویرهای زیبا و رؤیایی کتاب که با رنگ‌هایی متنوع و چشم‌نواز کشیده شده‌اند، بر جذابیت متن افزوده است.

این کتاب درباره حجاب است، اما بر داشت‌های متفاوتی از آن می‌توان کرد، به عنوان مثال این کتاب به فرزند شما می‌آموزد دیگران را از روی ظاهر قضاوت نکند و به رفتار و اخلاق دیگران به خاطر اینکه لیلیانا موهای کوتاه و سیخ‌سیخی دارد، فکر می‌کند که او پسر است و برای همین به جای اینکه با او مهربان باشد، با او با جدیت صحبت می‌کند و بعد که متوجه می‌شود او دختر است، می‌فهمد که پیشداوری کرده و از روی ظاهر، دیگری را قضاوت کرده است، برای همین می‌توان از این کتاب برداشت‌های متفاوتی کرد و مهم این است که شما چه برداشتی را متناسب با فرهنگ خودتان برای کودکان‌تان درونی کنید. شما می‌توانید از این داستان برداشت‌های متفاوتی را برای فرزندتان تحلیل کنید و از او بخواهید درک متقابلش را بیشتر کند و از زاویه دید دیگران به داستان نگاه کند، مثلاً از زاویه دید لیلیانا یا صبا یا حتی مردم موقرمز جنگل کاج.

این کار باعث می‌شود هم خلاقیت کودکان‌تان رشد پیدا کند و هم اینکه نسبت به دیگران احساسات عجزولانه‌ای از خود بروز ندهد و بتواند دیگران را درک کند.

درباره مسائل خصوصی که در کتاب مطرح شد یا فرزندتان صحبت کنید و درک او را از این موضوع بسنجید.

■ خلاصه کتاب لیلیانا

قدرت تبیین مفاهیم دینی با زبان کودکانه و ساده به حدی است که حتی برای بزرگسالان هم مایه تلنگر و تذکر است و این امر از مهم‌ترین ویژگی‌های قلم خانم ژوبرت است که این‌ن نه به خاطر مهارت نویسندگی ایشان که ناشی از فهم دقیق و عالمانه‌شان از این مفاهیم است. تصویرگری کتاب هم با خودشان است و مثل همیشه تصاویر گرم و جذابی برای کودکان کادارد.

«لیلیانا» در قالب داستانی تخیلی ماجرای دخترپچه‌ای را بیان می‌کند که با موجودی به نام لیلیانا آشنا می‌شود که وسط جنگل کاج زندگی می‌کند. دخترپچه کم‌کم با او دوست می‌شود.

لیلیانا آدم کوچولویی با موهای آبی است که در جنگل کاج زندگی می‌کند. جایی که همه آدم‌ها موهای‌شان قرمز است و موهای آبی لیلیانو به نظرشان زیبا می‌آید، برای همین زیبایی او را دوست دارند، اما او دوست دارد به خاطر مهربانی‌اش و برای خودش دوستش داشته باشند، نه برای اینکه او زیباست. همین باعث می‌شود موهایش را از ته بزنند...

■ برشی از متن کتاب لیلیانا

چند روز پیش یک دوست از آسمان برای من رسید. مثل توی داستان‌ها، لب حوض نشسته بودم و توی دفتر خاطراتم می‌نوشتم. یک دفعه پرندۀ بزرگی کنار من نشست. اندازه یک قو بود، شاید هم بزرگ‌تر و یک آدم کوچولو پشتش نشسته بود. خیلی عجیب بود، مگر نه؟

آدم کوچولو پایین پرید و گفت: «سلام»!

موهای آبی سیخ‌سیخی داشت و اخم‌هایش توهم بود. گفتم: «سلام! تو از کجا آمدی؟»

آدم کوچولو جواب نداد. دفترم را نشان داد و گفت: «چی چی می‌نویسی؟ برایم می‌خوانی؟» دفترم را بستم و گفتم: «نه نمی‌شود، خصوصی است»!

و در بخش دیگری از این کتاب می‌خوانیم:

سر تکران دادم و دست انداختم دور گردنش. چقدر خوشحال بودم که برگشته بود و دیگر اخمو نبود. پرسیدم: «چی را می‌خواستی به من بگویی؟» «خوشحالی گفتم: «پس نامه‌ام را پیدا کردی!» با چشم‌های آره گفتم و دوباره پرسیدم: «چی را می‌خواستی بگویی؟» کلاهم را کمی جابه‌جا کرد و گفت: «خیلی فکر خوبی کردی که خودت را پوشاندی.» گفتم: «فکر خداست، نه فکر من، ولی...».

چندبار تکرار کرد: «فکر خدا... فکر خدا... او!» و یک دفعه از جا پرید، انگار چیزی فهمیده بود. اگر حرفم را قطع نمی‌کرد، به او می‌گفتم که موهای من آبی نیست که اینها را فقط به خاطر خدا می‌پوشانم، چون خیلی دوستش دارم و می‌خواهم به حرفش گوش کنم، ولی همان موقع سوار پرندۀ شد و رفت. لیلیانا را می‌گویم.»